



Investigating the Impact of Intellectual Capital on Competitive Performance in Iran's Banking System

Vahid Amin^{*1}, Seyed Hasan Salehnezhad², Yaser Rezaei Pitenoeei³, Mahdis Lotfi⁴

1. Instructor, Department of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran. (shs_489@pnu.ac.ir).

3. Assistant Professor, Department of Accounting, Guilan University, Rasht, Iran. (Rezaei.yasser@gmail.com).

4. M.Sc. Student, Department of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Mahdis.lotfi63@gmail.com).

Corresponding Author:

Vahid Amin

Email: v.amin@pnu.ac.ir

How to Cite:

Amin, V; Salehnezhad, S.H; Rezaei Pitenoeei, Y; Lotfi, M; (2023). Investigating the Impact of Intellectual Capital on Competitive Performance in Iran's Banking System, *Biannual Journal of Scientific Governmental Accounting*, 9 (18), 117-136.

ABSTRACT

Subject and Purpose of the Article: The present study seeks the role of intellectual capital, financial literacy and business experience in attracting resources and sustainable competitive performance in banks and financial and credit institutions under the supervision of the Central Bank of Iran.

Research Method: This research is applied in terms of purpose and is a descriptive survey in terms of type. The information related to the research questionnaire was completed by 281 managers of banks and financial and credit institutions in Mazandaran province in 2020. In this research, the structural equation model has been used to test the hypotheses.

Research Findings: The results of hypothesis testing show that intellectual capital has a positive and significant effect on sustainable competitive performance. The findings also indicate that intellectual capital positively affects resource acquisition. On the other hand, resource acquisition has a positive and significant effect on sustainable competitive advantage, it plays a mediating role in the relationship between intellectual capital and sustainable competitive advantage. There was no significant relationship between business experience and financial literacy with resource acquisition, but financial literacy and business experience positively moderate the relationship between intellectual capital and resource acquisition.

Conclusion, Originality and its Contribution to the Knowledge: This study shows that intellectual capital is a vital factor for sustainable competitive advantage and the performance of banks in emerging markets. The innovation of this research uses the intangible performance of managers to measure intellectual capital.

Keywords: Intellectual Capital, Competitive Performance, Banking System.

JEL Classification: O34, G21, G11.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

<https://gaa.journals.pnu.ac.ir/>

دوفصلنامه علمی حسابداری دولتی

«مقاله پژوهشی»

بررسی تأثیر سرمایه های فکری بر عملکرد رقابتی در نظام بانکی ایران

وحید امین^{۱*}، سید حسن نژاد^۲، یاسر رضایی پیتته نوئی^۳، مهدیس لطفی^۴

چکیده

موضوع و هدف پژوهش: پژوهش حاضر به دنبال نقش سرمایه فکری، سواد مالی و تجربه تجاری در جذب منابع و عملکرد رقابتی پایدار در بانکها و موسسات مالی و اعتباری تحت نظر بانک مرکزی است.

روش شناسی پژوهش: این پژوهش از نظر طبقه بندی بر مبنای هدف، از نوع کاربردی است و از نظر نوع روش گردآوری اطلاعات در گروه تحقیقات توصیفی-پیمایشی است. اطلاعات مربوط به پرسشنامه پژوهش، توسط ۲۸۱ تن از مدیران بانکها و موسسات مالی و اعتباری استان مازندران، در سال ۱۳۹۹ تکمیل شده است. در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش الگوی معادلات ساختاری استفاده شده است.

یافته ها: نتایج آزمون فرضیه ها نشان می‌دهد که سرمایه فکری تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد رقابتی پایدار دارد. همچنین یافته‌ها بیانگر این است که سرمایه فکری تأثیر مثبتی بر جذب منابع دارد. از سوی دیگر علاوه بر اینکه جذب منابع اثر مثبت و معناداری بر مزیت رقابتی پایدار دارد، نقش میانجی را در رابطه بین سرمایه فکری و مزیت رقابتی پایدار ایفا می‌کند. رابطه‌ای بین تجربه تجاری و سواد مالی با جذب منابع مشاهده نشد ولی سواد مالی و تجربه تجاری رابطه بین سرمایه فکری و جذب منابع را بطور مثبت تعدیل می‌کند.

نتیجه گیری، اصالت و افزوده آن به دانش: این پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه فکری عامل حیاتی برای مزیت رقابتی پایدار و عملکرد بانک‌ها در بازارهای درحال ظهور است. نوآوری این پژوهش استفاده از معیار توانایی نامشهود مدیران برای اندازه گیری سرمایه فکری است.

واژه‌های کلیدی: سرمایه فکری، عملکرد رقابتی، نظام بانکی.

طبقه بندی موضوعی: O34, G21, G11

۱. مربی، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۲. استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (shs_489@pnu.ac.ir)
۳. استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه گیلان، رشته ایران. (Rezaei.yasser@gmail.com)
۴. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (Mahdis.lotfi63@gmail.com)

نویسنده مسئول:

وحید امین

رایانامه:

v.amin@pnu.ac.ir

استناد به مقاله:

امین، وحید؛ صالح نژاد، سید حسن؛ رضایی پیتته نوئی، یاسر؛ لطفی، مهدیس (۱۴۰۲)، بررسی تأثیر سرمایه های فکری بر عملکرد رقابتی در نظام بانکی ایران، دوفصلنامه علمی حسابداری دولتی، ۹ (۱۸)، ۱۱۷-۱۳۶.

مقدمه

تحقق اهدافی مانند سود بالاتر و بقای بلندمدت به سرمایه گذاری در منابع نامشهود به ویژه سرمایه فکری روی می آورند که این خود باعث ارتقای عملکرد رقابتی پایدار^۱ می شود (خان و همکاران، ۲۰۱۸؛ آنور و همکاران، ۲۰۱۸).

سواد مالی^۲ توانایی فرد برای استفاده از دانش و مهارت جهت استفاده مؤثر از منابع مالی سازمان و تقویت عملکرد مالی سازمان است. البته، سواد مالی تنها به مدیریت منابع مالی مرتبط نیست بلکه مدیر دارای این نوع سواد توانایی کاهش انواع مختلف هزینه، بهره برداری از فرصت های جدید و کمک به سازمان برای دسترسی به منابع مفید را نیز دارا است (یانگ و همکاران، ۲۰۱۸). مهارت های مالی به مدیران امکان شناسایی فرصت ها، حل مسائل و کسب منابع ارزشمند و مدیریت مناسب فرآیندهای کسب و کاری داخلی می دهد. به علاوه، مهارت های مالی و تحصیلات مانع از شکست سازمانها کوچک و متوسط می شود (فولی، ۲۰۱۸). تحصیلات مالی، منابع مالی و غیرمالی را بازیابی می کند و رشد اقتصادی و ثبات مالی بیشتری را محقق می سازد. مهارت های مالی بر مدیریت سود سازمانها اثر می گذارد (بادولتو و همکاران، ۲۰۱۴). مدیران دارای سواد مالی قادرند به تأمین مالی بیرونی دست یابند که برای مدیریت مناسب فعالیت های عملیاتی در سازمانها کوچک و متوسط ضروری است (بادولتو و همکاران، ۲۰۱۴). از طرفی هم سازمانها به مدیرانی باتجربه، باهوش و باصلاحیت نیاز دارند که روابط خوبی با اشخاص و نهادهای بیرونی داشته باشند و قادر باشند از روندهای بازار آگاه گردند. مدیران عاملی که تجربه کار در کسب و کارهای مختلف دارند، باتجربه تر و توانمندتر هستند. این تجربه به آنها قدرت تدوین سیاست های مالی و کاهش هزینه ها و در نهایت بهبود عملکرد سازمان می دهد. افزون بر آن، این عقیده وجود دارد که منابع مالی و غیرمالی بیرونی هر دو به یک اندازه برای موفقیت سازمان لازم هستند (کو و همکاران، ۲۰۱۸).

با توجه به موارد مطرح شده، پژوهش حاضر به دنبال نقش سرمایه فکری، سواد مالی و تجربه تجاری در جذب منابع و عملکرد رقابتی پایدار در بانکها و موسسات مالی و اعتباری تحت نظر بانک مرکزی استان مازندران است. امید است بررسی این موضوع برای کلیه فعالان در حوزه مالی مفید واقع شود.

مبانی نظری و مرور پیشینه پژوهش

سازمانها در بازارهای نامطمئن باچالش های متعددی روبه رو هستند و عملکرد سازمانها را نمی توان تنها بر اساس معیارهای مالی مورد ارزیابی و قضاوت قرار داد، زیرا پژوهش ها

ظهور عصر اطلاعات و اقتصاد دانش محور، سازمانها را از تاکید بر منابع مالی و پولی به سمت دارایی های نامشهود کشانده است. رشد نوین اقتصادی که از دانش و اطلاعات سرچشمه می گیرد، موجب افزایش اهمیت سرمایه فکری به عنوان مقوله ای پژوهشی و اقتصادی شده است. امروزه، شاهد اهمیت سرمایه فکری به عنوان ابزاری مؤثر برای افزایش رقابت شرکتها هستیم و این امر موجب ایجاد جایگاه متفاوت و برتر سرمایه فکری شده است (نمامیان و همکاران، ۱۳۹۰). تا اوایل دهه ۱۹۵۰، عامل اصلی عقب ماندگی کشورهای در حال توسعه را به طور عمده کمبود سرمایه های مالی و فیزیکی می پنداشتند. در چارچوب چنین طرز فکری، این کشورها از راه های مختلف و با توسل به دوست و دشمن به کسب سرمایه می پرداختند. این امر، موجب تشدید وابستگی و تخریب بنیان های اقتصادی و سیاسی این قبیل کشورها می شد. اما امروزه، روشن شده که تزریق مقادیر متنابهی از سرمایه های فیزیکی و مالی لزوماً تسریع روند رشد و توسعه این کشورها را در پی ندارد. بلکه کشورهایی که از سازمان های قوی و نهادهای اداری کارآمد و در عین حال از سرمایه های انسانی کارا و متخصص برخوردارند، می توانند سرمایه فیزیکی و مالی خود را به نحو مناسب تری جذب و در تسریع روند رشد و توسعه به کار گیرند. در اقتصاد نوین، تولید ثروت و رشد اقتصادی بیشتر از دارایی های نامشهود (فکری) سرچشمه می گیرد. پیشرفت اقتصاد جدید تأکیدی بر این واقعیت است که خلق ارزش بیشتر به دارایی های نامشهود وابسته است تا به دارایی های مشهود (فیزیکی و مالی). بنابراین، سرمایه فکری منبع اصلی توسعه اقتصادی محسوب می شود و سایر عوامل سنتی تولید مانند زمین، نیروی کار و سرمایه مالی در مرتبه بعدی اهمیت قرار می گیرند. در چنین شرایطی سرمایه فکری، عامل کلیدی ارتقای قابلیت سازمانی به شمار می رود. در عصر جهانی شدن سازمانها باید منابع مشهود و نامشهود فراوانی برای حفظ بقای خود در بلندمدت داشته باشند. به دلیل محدودیت در منابع و نبود قابلیت، بسیاری از سازمانها مشهور و معتبر شکست خورده اند (آنور و شاه، ۲۰۱۸). در اقتصاد دانش محور، از سرمایه فکری به منظور ایجاد ارزش برای سازمانها استفاده می شود. سازمانها به دنبال ایجاد، مدیریت، گسترش و بهره برداری پهنه از سرمایه فکری در راستای ارزش آفرینی سازمان و بهبود فرآیند کسب و کارند (لبافی و دارابی، ۱۳۹۷). در بازارهای پرنوسان، سازمانها بر سر کسب سود بالاتر و حفظ بقا در بلندمدت در رقابت هستند. سازمانها برای

بررسی اثرگذاری مثبت توانمندی‌ها و قابلیت‌های درونی سازمانها بر میزان دسترسی به منابع بیرونی پرداخته‌اند، اما هنوز نتایج منسجم و قابل استنتاجی در دست نیست. لازم به یادآوری است که تمامی منابع بیرونی مستقیم و به صورت خودکار به دست نمی‌آیند، ولی به برنامه‌ریزی و شایستگی‌های خاص و مناسبی نیاز دارند (انور و همکاران، ۲۰۱۸). هنوز پرسش «چگونگی دسترسی به منابع بیرونی نادر، منحصربه‌فرد و تغییرناپذیر» در حوزه مهارت‌های مدیریتی نامشهود مورد بحث قرار نگرفته است. توانایی سازمانها در بررسی محیط با هدف کسب اطلاعات مفید برای تسهیل روند کسب منابع امری بسیار پراهمیت است اما به اندازه کافی مورد بررسی قرار نگرفته است. این تجربه تجاری بر جذب منابع و بهبود عملکرد برتری رقابتی در سازمانها، موثر است. این مهارت‌ها و قابلیت‌ها برای سازمانها ضروری هستند، چرا که این سازمانها منابع مشهود کافی (تأمین مالی و فناوری) برای کسب منابع نامشهود و مشهود لازم برای بهبود عملکرد و پایدارسازی آن ندارند (خان و همکاران، ۲۰۱۸). جذب منابع عبارت است از فرآیندی که طی آن یک سازمان از محیط داخلی و بیرونی منابع لازم برای بهبود عملکرد خود را به دست می‌آورد (کای و همکاران، ۲۰۱۴). در اقتصادهای نوظهور، مانند پاکستان، سازمان‌های کوچک به دنبال منابع بیرونی هستند (انور و همکاران، ۲۰۱۸). پژوهش‌های پیشین در تلاش بودند تا توانمندی‌ها و قابلیت‌های داخلی مناسب برای دسترسی به منابع بیرونی را شناسایی کنند (کامپل و همکاران، ۲۰۱۶؛ موری و همکاران، ۲۰۱۸). البته، توانمندی‌ها و قابلیت‌های مدیریت ارشد (به ویژه مهارت‌های نامشهود) خیلی در سازمانها بررسی شده‌اند. مهارت‌های نامشهود مانند سرمایه فکری، سواد مالی، تجربه تجاری به سازمان توانایی دسترسی به منابع بیرونی منحصربه‌فرد و در نهایت بهبود عملکرد می‌دهد. برای مثال، نظریه پلکان بالاتر به نقش توانمندی‌ها و قابلیت‌های مدیریت ارشد و مهارت‌های آنها در موفقیت سازمان توجه دارد، اما از نظر تحقیقاتی توجه اندکی به اثر مهارت‌های نامشهود بر کسب منابع در حوزه نظریه پلکان بالاتر شده است. لازم به یادآوری است که پژوهش‌های، هنوز به نحوه اثرگذاری سرمایه فکری بر توانایی سازمان در کسب منابع و اطلاعات بیرونی برای ارتقای رقابت‌پذیری، ارزش، پایداری و عملکرد نپرداخته‌اند (هوسینکی و همکاران، ۲۰۱۹).

برپایه استدلال‌های ما، مهارت‌های نامشهود مدیریت ارشد و توانمندی‌های نامشهود آن‌ها در دسترسی به منابع بیرونی بهتر

نشان داده است، ارزش بازار سازمان‌ها و موسسات را بیشتر دارایی‌های غیرمالی که به آنها دارایی‌های نامشهود^۱ یا سرمایه‌های فکری^۲ گفته می‌شود، تعیین می‌کند (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۶). روش‌های مرسوم انجام عملیات‌های مالی به واسطه استفاده کسب و کارها از منابع و توانایی‌های نامشهود متحمل تغییرات زیادی است (تاندون و پروهیت، ۲۰۱۶) در این شرایط همزمان با این رویداد سازمان‌ها سرمایه گذاری در منابع نامشهود را نسبت به دارایی‌های فیزیکی و مشهود بیشتر کردند (مانتریو و همکاران ۲۰۱۷) و تلاش کرده‌اند تا از این طریق نیازها و انتظارات ذینفعان متعدد و مختلف خود را برآورده سازند و تنها به نیازهای سهامداران توجه نداشته باشند.

موفقیت حال و آینده در رقابت بین سازمانها تا حد کمی مبتنی بر تخصص راهبردی منابع فیزیکی و مالی و تا حد زیادی مبتنی بر مدیریت راهبرد دانش خواهد بود. چالش مدیران آماده کردن محیط مناسب برای رشد و پرورش ذهن انسان در سازمان دانش محور است. بنابراین، توانایی مدیریت دانش، مهارت اساسی مدیران در سازمان‌ها است (کرمانی و نمازی، ۱۳۸۷)، اما هنوز پاسخ معینی برای این پرسش که آیا باید در منابع/ قابلیت‌های مشهود سرمایه‌گذاری کرد یا نامشهود؟ پیدا نشده است. در پژوهش‌های پیشین، توجه زیادی به منابع مشهود شده و منابع نامشهود با وجود اهمیت زیادشان در موفقیت سازمانها، چندان مورد توجه تحقیقاتی قرار نگرفته‌اند. هم‌چنین، در پژوهش‌های پیشین توجه‌ای به نقش مهارت‌های نامشهود از جمله سرمایه فکری، سواد مالی، تجربه‌ی تجاری^۳ در کسب منابع و عملکرد رقابتی پایدار نشد (اینگ و همکاران، ۲۰۱۹). در صورتی که امروزه، سرمایه فکری به عنوان ابزاری موثر برای افزایش رقابت سازمانها دارای اهمیت فراوان است و این امر موجب ایجاد جایگاه متفاوت و برتر سرمایه فکری شده است (نماین و همکاران، ۱۳۹۰).

محدود بودن منابع مالی و امکانات بانک‌های دولتی، نیاز به ارزیابی عملکرد جهت برنامه‌ریزی برای افزایش کارایی و بهره‌وری آن‌ها را ضروری ساخته است (صادقی عسکری و همکاران، ۱۳۹۸). دسترسی به منابع مانند زمین، تجهیزات، ماشین‌آلات، اطلاعات، تأمین مالی، فناوری و مشتری، چالش بزرگی بر سر راه سازمان‌های تجاری است. نخستین مرحله تعیین نوع منابع لازم برای موفقیت کسب‌وکار است. در مرحله بعد باید ابزار لازم برای دسترسی به منابع را شناسایی کرد. به مرحله دوم توجه اندکی شده است. اگرچه تعدادی پژوهش به

پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که کارایی سرمایه ساختاری تأثیر معنی داری بر بازده دارایی ها و رشد دارایی ها دارد. همچنین بانک های اسلامی در اندونزی می توانند از نظر بازده دارایی و رشد دارایی، به مزیت های رقابتی دست یابند، زیرا ارزش افزوده مثبتی دارند.

اوپونگ و پاتانایاک (۲۰۱۹) در مطالعه ای به بررسی سرمایه گذاری در سرمایه های فکری توسط بانک ها پرداختند و چگونگی بهبود بهره وری بانک را از نظر گردش مالی دارایی ها و بهره وری کارکنان ارزیابی کردند. با استفاده از پانل و انتخاب ۷۳ بانک تجاری در هند برای یک دوره ۱۲ ساله (۲۰۱۷-۲۰۰۶)، این مطالعه نشان داد که برخی از مؤلفه های سرمایه های فکری بهره وری را بهبود می بخشد.

ریورا و همکاران (۲۰۱۷) در مقاله ای تحت عنوان «سرمایه فکری و تاثیر گذاری بر مزیت رقابتی پایدار»، سرمایه فکری یک عامل پیش بینی کننده نامشهود مزیت رقابتی پایدار در نظر گرفته می شود. به این ترتیب تمام چیزهای ارزشمندی که از طریق فرآیند دانش و تجربه بدست می آیند و با تبدیل منابع شرکت به یک موقعیت با دوام و با ثبات تولید ثروت می کنند. همچنین سرمایه فکری نامیده می شوند. برپایه پژوهش های پیشین سرمایه فکری یک منبع نامشهود است، رقابت ایجاد می کند و عملکرد مالی را تقویت می کند.

اومت اف ایکاپل (۲۰۱۶) در پژوهشی به تحلیل سرمایه فکری و عملکرد مالی بانک های تجاری در کنیا، استفاده از ضریب فکری ارزش افزوده پرداختند. یافته ها نشان می دهد که بهره وری سرمایه به کار رفته اثر معناداری بر عملکرد بانک سرمایه انسانی ۰/۹۶ تمامی بانک های دیگر برای این ضریب صفر اندازه گیری شدند. به جز برای بانک های بانکی با ضریب بهره وری سرمایه ساختاری صفر، در تمامی بانک های دیگر این ضریب منفی بود. ضریب بهره وری سرمایه انسانی از ضریب بهره وری سرمایه ساختاری بانک های پذیرفته شده در بورس نایروبی بالاتر بود. بهره وری سرمایه به کار رفته بالاترین اثر را بر عملکرد مالی بانک های تجاری داشت. بانک ها باید بدانند که بهره وری سرمایه انسانی برای درک اهداف و بانک ضروری است. مؤسسات مالی باید از گزارشات مالی ارزش افزوده استفاده کنند تا اثر سرمایه فکری بر کسب و کارشان مشخص شود. رتبه بانک ها از نظر سرمایه فکری ارزش افزوده نشان می دهد که بانک های دارای چارت استاندارد از نظر استفاده از سرمایه فکری بهترین هستند. بهره وری دارایی مالی و فیزیکی بانک ها را می توان با سرمایه گذاری در کارایی سرمایه انسانی تقویت کرد و افزایش داد.

اوزکان و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی سرمایه فکری و عملکرد مالی: بانکداری ترکیه پرداختند. عملکرد

از منابع فیزیکی عمل می کنند. سازمانها با کمبود منابع برای رقابت در بازارهای آشفته و پرنوسان روبه رو هستند. بنابراین، آن ها به ابزارهایی ارزان تر برای دسترسی به منابع بیرونی ارزشمند نیاز دارند. مهارت های مدیریت ارشد (سرمایه فکری، تجربه و سواد مالی) از جمله عوامل کم هزینه و ارزانی هستند که به سازمانها در اکتساب آسان منابع نادر کمک می رسانند. سازمان ها برای اینکه بتوانند در محیط های رقابتی و متغیر امروزی، قادر به عمل و اثر بخش باشند، لازم است سطح سرمایه فکری خود را شناسایی، سنجش و ارزش گذاری کنند. در محیط دانش محور کنونی، سرمایه فکری نه تنها مهم ترین بخش سرمایه سازمان محسوب می شود، بلکه فراهم کننده برتری رقابتی پایدار برای سازمان است (احمیان و قربانی، ۱۳۹۲). همچنین مدیران ارشد می توانند فرصتی برای شناسایی منابع بیرونی پیدا کنند. به عبارت دیگر، مدیران دارای سواد مالی، تجربه و سرمایه فکری در حین جستجو برای منابع بیرونی با فرصت های جدیدی روبه رو خواهند شد. به طور خلاصه، مهارت های نامشهود مدیریت ارشد می تواند عامل جدیدی برای کسب منابع فیزیکی باشد که بانک های کوچک و متوسط از طریق آن به منابع بیرونی مفید دست یابند (اینگ و همکاران، ۲۰۱۹). در نتیجه مدیران با همسو کردن ارائه خدمات و ارزش سازمان با نیازهای و خواسته های ارباب رجوع و نیز ارتقای انگیزش شغلی در نزد کارکنان به توسط توزیع راهکارهای تشویقی در راستای ارزش آفرینی کارکنان در انجام امورات شغلی، سطح مدیریت ارزش را در سازمان افزایش دهند (مهدمی خو و همکاران، ۱۳۹۴).

اینگ و همکاران (۲۰۱۹)، در پژوهشی به بررسی نقش سرمایه فکری در جذب منابع و عملکرد رقابتی پایدار پرداختند. نتایج مبنی بر این است که سرمایه فکری به مدیران در کسب منابع ارزشمند و به واسطه آن بهبود عملکرد رقابتی پایدار کمک رسان است. اکتساب منابع تا حدی میانجی رابطه میان سرمایه فکری و عملکرد رقابتی پایدار است. سواد مالی یک پیش بینی کننده معنادار برای اکتساب منابع است، اما جذب منابع به صورت معنادار رابطه میان سرمایه فکری و عملکرد رقابتی پایدار را تعدیل نمی کند. تجربه تجاری به صورت معنادار اکتساب منابع را ارتقاء می دهد و رابطه میان سرمایه فکری و اکتساب منابع را تقویت می کند. بانک های کوچک و متوسط باید مدیران خود را به کسب منابع بیرونی نادر، خاص و تغییرناپذیر در بازارهای آشفته و پرنوسان سوق دهند.

ستیواتی و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی ارتباط بین سرمایه فکری و عملکرد مالی یازده بانک اسلامی در اندونزی طی دوره ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ با استفاده از روش ضریب ارزش افزوده فکری

گیسویی و شکوه (۱۳۹۷)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین سرمایه فکری و قابلیت‌های سازمانی با عملکرد مالی شعب بانک توسعه تعاون شهر کرمان پرداختند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد بین سرمایه فکری با عملکرد مالی شعب بانک توسعه تعاون شهر کرمان رابطه معنی‌داری وجود دارد. بین قابلیت‌های سازمانی با عملکرد مالی شعب بانک توسعه تعاون شهر کرمان رابطه معنی‌داری وجود دارد. که با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاداتی نیز ارائه شد.

لبافی و دارابی (۱۳۹۷)، به بررسی تاثیر اجزای سرمایه فکری و ضریب ارزش افزوده فکری در عملکرد مالی بانک‌ها پرداختند. در این پژوهش یک بار اثر سرمایه فکری به طور کلی و یک بار اثر اجزای سرمایه فکری بررسی شد. نتایج پژوهش نشان داد سرمایه فکری بیشتر تحت تاثیر سرمایه انسانی است و ضریب ارزش افزوده سرمایه انسانی بر عملکرد بانک‌های پذیرفته شده در اوراق بهادار رابطه مثبت و معناداری دارد.

کمیحانی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی به بررسی تاثیرپذیری سرمایه فکری بر عملکرد سازمان‌های تخصص محور با رویکرد مزیت رقابتی پرداختند. نتیجه کلی این پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه فکری بر عملکرد سازمانی به طور مستقیم تاثیر ندارد اما به واسطه ایجاد مزیت رقابتی در سازمان و نقش میانجی آن بر عملکرد غیرمالی بانک‌های مشاوره اعتباری و سرمایه گذاری در ایران، تاثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین کلیه مولفه‌های سرمایه فکری اعم از سرمایه انسانی، سرمایه رابطه‌ای و سرمایه ساختاری نیز تاثیر مثبت و معناداری بر روی مزیت رقابتی دارند و از سوی دیگر، مزیت رقابتی برند و شاخص اندازه‌گیری عملکرد در این پژوهش یعنی سهم بازار و ارزش برند نیز تاثیر مثبت دارد.

علامه و شیخ ابو مسعودی (۱۳۹۴)، به بررسی تاثیر سرمایه فکری، با نقش میانجی مدیریت دانش و سرمایه فرهنگی بر عملکرد سازمان پرداختند. این پژوهش در شرکت گاز استان اصفهان مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج نشان داد که سرمایه انسانی و ساختاری به طور مستقیم بر عملکرد سازمان تاثیر مثبت و معناداری دارد و همچنین این اجزا بطور غیر مستقیم از طریق نقش میانجی مدیریت دانش و سرمایه فرهنگی بر عملکرد سازمان تاثیر مثبت و معناداری دارد.

توسعه فرضیه‌های پژوهش

سرمایه فکری و عملکرد رقابتی پایدار

در بازارهای پرنوسان، شرکت‌ها بر سر کسب سود بالاتر و حفظ بقا در بلندمدت در رقابت هستند. شرکت‌ها برای تحقق اهدافی مانند سود بالاتر و بقای بلندمدت به سرمایه‌گذاری در

سرمایه فکری بانک از طریق روش ضریب ارزش افزوده سرمایه فکری اندازه‌گیری می‌شود عملکرد سرمایه فکری بانکداری ترکیه بیشتر تحت تاثیر سرمایه انسانی است. از نظر نوع بانک، بانک‌های سرمایه گذاری و توسعه بالاترین ضریب ارزش افزوده سرمایه فکری را دارند. وقتی ضریب ارزش افزوده سرمایه فکری تفکیک و تقسیم شود، مشاهده می‌شود که بهره‌وری (کارایی) سرمایه به کار رفته و کارایی سرمایه انسانی صورت مثبت بر عملکرد مالی بانک اثر می‌گذارند. البته، کارایی سرمایه ی به کار رفته اثر بیشتری در مقایسه با کارایی سرمایه انسانی بر عملکرد مالی دارد. بنابراین، بانک‌های فعال در بخش بانکداری ترکیه اگر تمایل به دستیابی به سودآوری بالاتر دارند، باید از سرمایه فیزیکی و مالی بهره بیشتر بگیرند.

بای وچانگ (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان «سرمایه فکری تاثیر مثبت و معناداری بر عملکرد رقابتی پایدار» اثر سرمایه فکری، توان مالی و سرمایه فکری بر مزیت رقابتی پایدار و عملکرد شرکت اثبات شده است. با این وجود، نقش عوامل یادشده در بالاتر آنها در شرکت‌های بزرگ عمدتاً در کشورهای توسعه یافته و غربی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. اما شرکت‌های کوچک و متوسط در اقتصادهای نوظهور با وجود نقش غالب آن‌ها در این بازارها کمتر مورد بررسی تحقیقاتی قرار گرفته‌اند. همچنین بیشتر پژوهش‌ها به تاثیر این عوامل یاد شده بر عملکرد مالی شرکت توجه کردند و عملکرد غیر مالی را مورد توجه و بررسی قرار نداده‌اند.

ملکی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی تاثیر سرمایه فکری بر عملکرد توسعه خدمات جدید در شعب و ادارات مرکزی بانک مسکن شهر تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که تمامی فرضیه‌های پژوهش که شامل یک فرضیه اصلی و سه فرضیه فرعی است، مورد تایید قرار گرفت. ولی با این حال میزان تاثیر سرمایه انسانی نسبت به سرمایه ساختاری و سرمایه ارتباطی به میزان کمتری بود که با توجه به این نتایج سازمان باید بر منابع انسانی خود توجه هرچه بیشتری را داشته باشد.

بولو و اعرابی (۱۳۹۸)، به شناسایی عوامل موثر بر ریسک جامع بانک‌های دولتی پرداختند. در این پژوهش عوامل شناسایی شده برای ۸ بانک دولتی متشکل از ترکیب ریسک بعد مالی، نظارتی و سرمایه ای از سال ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۵ بر اساس عدم توازن منابع و مصارف با معیار برداشت مازاد از منابع بانک مرکزی به عنوان معیار ریسک جامع بانکی مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان داد که شاخص‌های وجود واحد مستقل ریسک، نوع مالکیت دولتی و وجود هیئت مدیره غیر موظف بیشترین تأثیر را در کاهش ریسک جامع داشتند.

روبه پایین)، سوگیری‌های محیطی و فشارهای رقابتی را تسهیل می‌بخشد (کابریلو و همکاران، ۲۰۱۸) و ارتقای مهارت‌هایی مانند سرمایه‌ی انسانی، سرمایه‌ی رابطه‌ای و سرمایه‌ی ساختاری، بر یکپارچگی منابع در شرکت‌ها اثر می‌گذارد (لود، جی کارپن، ۲۰۱۷). لی و همکاران (۲۰۱۸)، معتقدند که سرمایه اجتماعی به سازمان‌ها در کسب منابع مشهود و نامشهود، به ویژه از منابع دیگر، به غیر از منابع داخلی، کمک می‌رساند. با این وجود فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود:

فرضیه دوم: سرمایه فکری بر جذب منابع اثر مثبت دارد.

جذب منابع و عملکرد رقابتی پایدار

با اینکه مباحث گسترده در مورد نظریه رویکرد مبتنی بر منابع، هنوز چگونگی تبدیل و تغییر منابع برای بهبود عملکرد و دستیابی به عملکرد برتر، بدون پاسخ و مبهم باقی مانده است. طبق نظریه رویکرد مبتنی بر منابع، نقش منابع مشهود و نامشهود در مزیت رقابتی پایدار بسیار پررنگ و پراهمیت است. از این‌رو، اخترو همکاران (۲۰۱۸)، به تأثیر برخی عوامل فیزیکی در عملکرد رقابتی پایدار اشاره کردند، این درحالی است که برخی دیگر از پژوهشگران به اهمیت منابع نامشهود اشاره داشته‌اند. به این ترتیب نتایج دیگر در این حوزه غیرقابل استنتاج است. در واقع، شرکت‌ها نباید بر انتخاب بین منابع مشهود یا نامشهود تکیه و توجه کنند بلکه در عوض باید برای دستیابی به هر دو نوع منبع تلاش کنند (حاجی و غزالی، ۲۰۱۸). لازم به یادآوری است که شرکت‌های جدید برای پیشگیری از شکست لازم است در مراحل اولیه به منابع مورد نیاز خود دسترسی سریع پیدا کنند. طبق نظریه رویکرد مبتنی بر منابع، عملکرد شرکت‌های تازه تأسیس رابطه مستقیم و معناداری با اکتساب منابع دارد، زیرا قابلیت دسترسی منابع کافی برای ارتقای عملکرد و دستیابی به عملکرد برتر ضروری است.

به همین ترتیب، کیانتو و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند که کسب منابع کافی نه تنها به سازمان در پیگیری و بهره‌برداری از فرصت‌ها کمک می‌رساند، بلکه در ارتقای شایستگی‌ها، توانایی‌ها و مهارت‌های سازمان با هدف تولید سود بیشتر، رشد بالاتر و رقابت و بقای طولانی‌مدت نیز مؤثر است. به‌طور خلاصه، جذب منابع پایدار به بقای بلندمدت شرکت‌های کسب-وکاری منتهی می‌شود (چن و همکاران، ۲۰۱۸). از این رو فرضیه سوم پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود:

فرضیه سوم: جذب منابع بر عملکرد رقابتی پایدار اثر مثبت

دارد.

منابع نامشهود به ویژه سرمایه فکری روی می‌آورند که این خود باعث ارتقای عملکرد رقابتی پایدار می‌شود (انور و خان، ۲۰۱۸). سرمایه فکری شامل سرمایه ساختاری^۱، سرمایه انسانی^۲ و سرمایه رابطه‌ای^۳ است که همگی باعث افزایش بازده شرکت می‌شوند (پیتنو، ۲۰۱۷). طبق یافته‌های ژو و وانگ (۲۰۱۷) تمامی ابعاد سرمایه فکری (سرمایه ساختاری، سرمایه انسانی، سرمایه رابطه‌ای) به صورت مثبت معنادار پایداری عملکرد مالی و رشد اقتصادی در بخش تجاری را تقویت و ارتقاء می‌دهند. مدیران ارشد لازم است برای ارتقای سرمایه فکری در درون سازمان‌های خود به مزیت رقابتی دست یابند، از این‌رو ضروری است که روش‌هایی جدید برای بهبود سرمایه فکری تدوین کنند. با توجه به رقابتی بودن عصر حاضر، به نظر می‌رسد بانک‌ها برای رسیدن به اهداف و انجام صحیح وظایف، بایستی عملکرد خود را بهبود بخشند تا بتوانند از رقبای خود پیشی بگیرند (لبافی و دارابی، ۱۳۹۷). در عصر جهانی شدن، سرمایه فکری روشی مؤثر برای بهبود عملکرد مالی است. که اثر معناداری بر عملکرد غیرمالی، عملکرد نوآورانه و مزیت رقابتی نیز دارد (انور و خان، ۲۰۱۸). با توجه به مطالب بالا فرضیه اول پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود:

فرضیه اول: سرمایه فکری بر عملکرد رقابتی پایدار اثر مثبت دارد.

سرمایه فکری و جذب منابع

سازمان‌ها در بازارهای نامطمئن با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند. در چنین شرایطی، شبکه‌زنی کارآفرینانه به آنها در جذب و دستیابی به منابع پایدار کمک می‌رساند (چن و وانگ، ۲۰۱۸). توانایی‌های کارآفرینانه‌ی قوی و پیوندهای شبکه‌زنی، به سازمان‌ها امکان استفاده از منابع مفید در اقتصادهای نوظهور می‌دهد (برای مثال، منابع فناورانه و مالی) و این در نهایت باعث افزایش سودآوری می‌شود (ژو و مورگان، ۲۰۱۷). قابلیت‌های فکری در مدیران ارشد به آنها امکان برنامه‌ریزی راهبردی درست و استفاده مؤثر از منابع و بهبود عملکرد می‌دهد. نقش سرمایه فکری محدود به یک صنعت خاص نیست، بلکه صنایع متعددی از سرمایه فکری به ویژه برای بررسی محیط‌های بیرونی و بهره‌برداری از فرصت‌ها سود می‌برند. به عقیده اتسانسکوا و بورس (۲۰۱۸) سازمان‌های تجاری در محیط‌های آشفته از سرمایه فکری برای کسب دانش کافی و منابع لازم برای مقابله با فشارهای بیرونی استفاده می‌کنند. سرمایه فکری که نوعی منبع نامشهود شمرده می‌شود، عملکرد سازمان‌ها در دستیابی به اطلاعات مفید در مورد روندهای بازار (روبه بالا،

نقش میانجی جذب منابع

مناسب فعالیت‌های عملیاتی در سازمانها ضروری است (حسین و همکاران، ۲۰۱۸). نبود مهارت‌های مدیریت مالی مانع دسترسی مدیران به منابع منحصربه‌فرد، ارزشمند و باثبات می‌شود. با توجه به مطالب فوق فرضیه پنجم پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود:

فرضیه پنجم: سواد مالی بر جذب منابع پایدار اثر مثبت دارد.

تجربه تجاری و جذب منابع

برپایه یافته‌های دیتما و دوچین (۲۰۱۵)، مدیران باتجربه از منابع (تأمین مالی) به‌صورت کارآمد استفاده می‌کنند. افزون بر آن، مدیران باتجربه بهتر می‌توانند سود آتی شرکت را پیش‌بینی و به‌طور مؤثرتری جریان نقدی آزاد آتی را مدیریت کنند و این در نهایت سودآوری شرکت را ارتقاء می‌دهد (لیبی و رنکامپ، ۲۰۱۹). یک مدیرعامل باتجربه اثر معناداری بر منابع مالی، بدهی، سهام و ساختارهای سرمایه دارد. ویژگی‌های روانی و تجربه‌های مدیران در سیاست‌های شرکت و قابلیت‌های پویای شرکت اهمیت دارند. مدیران باتجربه می‌توانند از منابع بیرونی به‌عنوان فرصت‌های جدید، بازارهای جدید و روش‌های جدید ارتقای عملکرد بهره بگیرند. تجربه به مدیران امکان مقابله با فشارهای محیطی و استفاده از منابع به‌روشی مؤثر و مثبت می‌دهد تا به این صورت فرصت‌های سرمایه‌گذاری بهتری برای سازمان رقم بزنند (شالتنبراند، ۲۰۱۸). مدیران عامل باتجربه و کارشناس در امور مالی نه تنها از سیاست‌ها آگاهی کافی دارند بلکه به منابع مالی و غیرمالی سازمان‌ها نیز اهمیت یکسان می‌دهند. آنها از منابع، (چه مالی چه غیرمالی) برای بهبود عملکرد سازمان استفاده می‌کنند. به‌طور خلاصه، مدیران/ مالکان دارای تجربه مالی قادرند دسترسی آسانی به منابع نادر و مفید داشته باشند و سود بالایی برای سازمان رقم بزنند. بنابراین فرضیه و ششم به شرح زیر است:

فرضیه ششم: تجربه تجاری بر جذب منابع اثر مثبت دارد.

نقش تعدیلی سواد مالی

پژوهش‌های متعددی به این نتیجه رسیدند که سرمایه فکری اثر مستقیمی بر عملکرد رقابتی پایدار داردا ما برخی دیگر نیز مدعی شده‌اند که عملکرد بهتر و یا به‌عبارتی بهبود عملکرد ارتباط مستقیمی با سرمایه فکری ندارد، زیرا قابلیت‌های داخلی و منابع داخلی مانند مزیت رقابت^۱، مدیریت دانش^۲، نوآوری^۳ بر رابطه آنها اثرگذار هستند. البته، هنوز مشخص نیست که آیا

سرمایه فکری دسترسی به منابع نادر را برای شرکت آسان می‌سازد و ساختار درونی سازمان‌ها، جایی که منابع به‌صورت نوآورانه برای دستیابی به مزیت رقابتی مورد استفاده قرار می‌گیرد را تقویت می‌کند (لیو و کریتینگ، ۲۰۱۷). شایستگی‌ها و قابلیت‌های مدیریتی (مهارت، دانش) به‌صورت غیرمستقیم از طریق ایجاد مزیت رقابتی پایدار با استفاده از منابع منحصربه‌فرد به عملکرد شرکت کمک می‌کند. طبق نظریه پلکان بالاتر، قابلیت‌ها و مهارت‌های مدیریت ارشد از جمله عوامل مهم بهبود عملکرد شرکت هستند. به‌طور کلی، سازمان‌ها برای رشد و داشتن عملکردی پایدار به منابع کافی نیاز دارند و از قابلیت‌های داخلی و سرمایه اجتماعی برای کسب منابع ارزشمند استفاده می‌کنند که در نهایت باعث بهبود عملکرد شرکت و دستیابی به مزیت رقابتی می‌شود (سونگ، ۲۰۱۸). سرمایه فکری به‌طور مستقیم عملکرد شرکت را ارتقاء می‌دهد، اما منابع داخلی و روش‌های مدیریت داخلی نقش میانجی را در این رابطه ایفا می‌کنند. برپایه نتایج به‌دست آمده، مدیران دارای سرمایه فکری روند دستیابی شرکت به منابع منحصربه‌فرد، نادر و ضروری برای رشد و بهبود عملکرد را تسهیل می‌دهند. پس با توجه به مطالب یادشده فرضیه چهارم پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود:

فرضیه چهارم: جذب منابع دارای اثر میانجی بر رابطه بین سرمایه فکری و عملکرد رقابت پایدار است.

سواد مالی و جذب منابع

سواد مالی توانایی فرد برای استفاده از دانش و مهارت برای استفاده مؤثر از منابع مالی شرکت و تقویت عملکرد مالی شرکت است (فرناندز و لینچ، ۲۰۱۴). البته، سواد مالی تنها به مدیریت منابع مالی وابسته نیست بلکه مدیر دارای این نوع سواد توانایی کاهش انواع مختلف هزینه، بهره‌برداری از فرصت‌های جدید و کمک به سازمان برای دسترسی به منابع مفید را نیز دارا است (یانگ و همکاران، ۲۰۱۸). مهارت‌های مالی به مدیران امکان شناسایی فرصت‌ها، حل مسائل و کسب منابع ارزشمند و مدیریت مناسب فرآیندهای کسب‌وکاری داخلی می‌دهد. افزون بر آن، مهارت‌های مالی و تحصیلات مانع از شکست سازمان می‌شود (فولی، ۲۰۱۸). تحصیلات مالی، منابع مالی و غیرمالی را بازیابی می‌کند و رشد اقتصادی و ثبات مالی بیشتری را محقق می‌سازد. مهارت‌های مالی بر مدیریت سود شرکت‌ها اثر می‌گذارد (بادولاتو و همکاران، ۲۰۱۴). مدیران دارای سواد مالی قادرند به تأمین مالی بیرونی دست یابند که برای مدیریت

موفقیت سازمان لازم هستند (کو و مک کلوی، ۲۰۱۷). بدون شک سرمایه اجتماعی مدیریت ارشد به طور مؤثری فعالیت های تحقیق و توسعه شرکت را تحریک و تشویق می کند. افزون بر سرمایه اجتماعی^۱، تجربه نیز به مدیران در کسب منابع و ایجاد پیوندهای توسعه ای و تحقیقاتی کمک می رساند. توانایی های فکری مدیران ارشد به آنها در فرآیندهای عملیاتی کمک رسان است. به علاوه، عملکرد اقتصادی و رقابت پذیری شرکت به واسطه توانایی اجتماعی و فکری مدیریت ارشد قابل ارتقاء است. تجربه یک عامل مهم در تقویت مؤثر و کارآمد روابط شمرده می شود (هرناندز و کاریون، ۲۰۱۷). بنابراین، سرمایه فکری دسترسی سازمان به منابع را ارتقاء می دهد اما تجربه دسترسی شرکت به منابع مفید را تسهیل می کند. بنابراین فرضیه هشتم به شرح زیر بیان می شود:

فرضیه هشتم: تجربه تجاری رابطه بین سرمایه فکری و جذب منابع را تعدیل می کند.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال بررسی نقش سرمایه فکری در جذب منابع و عملکرد رقابتی پایدار در بانکها و موسسات مالی و اعتباری تحت نظر بانک مرکزی استان مازندران است، که برای فعالان حوزه مالی مفید خواهد بود. این پژوهش از نظر طبقه بندی بر مبنای هدف، از نوع کاربردی و از نظر نوع توصیفی-پیمایشی است، همچنین از منظر تحلیل از نوع قیاس استقرا است. برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز در بخش مبانی نظری و پیشینه پژوهش، از روش کتابخانه ای استفاده شده است و داده ها از طریق تکمیل پرسشنامه بدست آمده است.

جامعه آماری این پژوهش مدیران کلیه شعبات بانکها و موسسات مالی و اعتباری دولتی و خصوصی تحت نظارت بانک مرکزی استان مازندران است و روش نمونه گیری به صورت تصادفی ساده می باشد. تعداد جامعه آماری ۹۸۶ شعبه بانک و موسسات مالی اعتباری در استان مازندران است. با توجه به فرمول کوکران حجم نمونه حداقل تعداد ۲۷۷ نمونه تعیین شده است. بنابراین با توجه به این موضوع تعداد ۳۵۰ پرسشنامه توزیع شد. پرسشنامه ها به صورت الکترونیکی و برخی دیگر از طریق تلفنی و مصاحبه حضوری به بانکها و موسسات مالی و اعتباری ارایه شده و توسط مدیران تکمیل شد. در نهایت به ۲۸۱ پرسشنامه پاسخ داده شد که این تعداد، برای حجم نمونه محاسبه شده از طریق فرمول کوکران کافی است.

سرمایه فکری اثر مستقیمی بر اکتساب منابع بیرونی (مشهود یا نامشهود) دارد و یا برای اعمال اثر خود نیازمند حمایت و یا به عبارتی واسطه گری تجربه و سواد مالی مدیریت ارشد است. با توجه به اثر غیرمستقیم سرمایه فکری بر عملکرد رقابتی پایدار، هان و همکاران (۲۰۱۵) بر این عقیده هستند که سواد مالی و تجربه کسب و کاری مدیران اثر سرمایه فکری بر عملکرد رقابتی پایدار را تسهیل و تقویت می کند. بطور کلی، سواد مالی به مدیران امکان استفاده از مهارت ها و شیوه های حاکمیتی برای بهره برداری مؤثر از منابع مالی می دهد. در مقابل، مدیران بدون سواد مالی در استفاده از منابع مالی با دشواری روبه رو هستند (میستری، ۲۰۱۵). سازمان ها لازم است هزینه های مختلف را با هدف بهبود عملکرد رقابتی خود کاهش دهند. به منظور تحقق این هدف، مدیران می بایست بهره برداری درست و کارآمدی از منابع داشته باشند تا به مزیت رقابتی دست یابند این امر محقق نمی شود مگر با کمک مدیران دارای سواد مالی (یانگ و ایشیتانگ، ۲۰۱۸). مدیران عامل تحصیل کرده بر منابع و فعالیت های عملیاتی سازمان اثر مثبت می گذارند و برای سازمان ارزش و کارایی بلندمدت به ارمغان می آورند (محمد و همکاران، ۲۰۱۵). مدیران عامل و کارشناسان مالی باید سواد مالی بالاتری داشته باشند. آنها می توانند از راهبردهای تنزیل و تخفیف متفاوت و شیوه های جریان نقدی کافی در تصمیم گیری های مربوط به سرمایه گذاری بهره بگیرند. این شیوه باعث کاهش هزینه و در نهایت بهبود عملکرد رقابتی سازمان می شود. از این رو فرضیه هفتم پژوهش به شرح زیر تدوین می شود:

فرضیه هفتم: سواد مالی رابطه بین سرمایه فکری و جذب منابع را تعدیل می کند.

نقش تعدیلی تجربه تجاری مدیر ارشد

همان طور که پیشتر اشاره شد، سازمان ها برای بقای طولانی مدت به منابع مشهود و نامشهود کافی نیاز دارند. به همین دلیل، سازمان ها به مدیرانی باتجربه، باهوش و باصلاحیت نیاز دارند که روابط خوبی با اشخاص و نهادهای بیرونی داشته باشند و قادر باشند از روندهای بازار آگاه گردند. مدیران عاملی که تجربه کار در کسب و کارهای مختلف دارند، باتجربه تر و توانمندتر هستند. این تجربه به آنها قدرت تدوین سیاست های مالی و کاهش هزینه ها و در نهایت بهبود عملکرد سازمان را می دهد (کاستودیو و متزگر، ۲۰۱۴). به علاوه، این عقیده وجود دارد که منابع مالی و غیرمالی بیرونی هر دو به یک اندازه برای

جذب منابع : سازمانها برای بقای طولانی مدت به منابع مشهود و نامشهود نیاز دارند. از ۶ گویه همانند کمپل و پارک (۲۰۱۶) و چن و همکاران (۲۰۱۸) برای بررسی چگونگی جذب منابع استفاده شد که از مقیاس لیکرت پنج نقطه ای (۱ خیلی مخالف تا ۵ خیلی موافق) استفاده شد.

عملکرد رقابتی پایدار: از پرسشنامه دگونگ و همکاران (۲۰۱۸) با ۸ گویه برای سنجش عملکرد رقابتی پایدار استفاده شد. از مدیران در مورد عملکرد سازمان شان در حوزه بازده سهام، بازده سرمایه گذاری، بازده دارایی پرسش شده، البته این عملکرد به سه سال آخر سازمان مربوط است و از مقیاس پنج نقطه ای لیکرت (۱ کاهش شدید تا ۵ بهبود بسیار بالا) استفاده شد.

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

در این بخش آمار توصیفی پاسخ دهندگان اعم از سن، جنسیت و میزان تحصیلات مورد بررسی قرار می گیرد. جدول ۱ نشان می دهد که در این پژوهش، ۲۳۰ نفر از پاسخ دهندگان مرد (۸۲٪) و ۵۱ نفر زن (۱۸٪) می باشند. همچنین در این پژوهش، ۲۹ نفر دارای سن زیر ۳۵ سال (۱۰/۵٪)، ۱۸۷ نفر بین سنین ۳۵ تا ۵۰ سال (۶۶/۵٪) و ۶۵ نفر دارای سن بالای ۵۰ سال (۲۳٪) هستند. بررسی تحصیلات پاسخ دهندگان در این پژوهش نشان داد که، ۹۷ نفر (۳۵٪) دارای مدرک لیسانس و کمتر، ۱۶۱ نفر (۵۷٪) دارای مدرک فوق لیسانس و ۲۳ نفر (۸٪) دارای مدرک دکتری هستند.

جدول ۱. آمار توصیفی مربوط به جمعیت شناختی

جنسیت		
مرد	فرآوانی	درصد فرآوانی
زن	فرآوانی	درصد فرآوانی
شرایط سنی		
زیر ۳۵ سال	فرآوانی	درصد فرآوانی
۳۵ تا ۵۰ سال	فرآوانی	درصد فرآوانی
بالای ۵۰ سال	فرآوانی	درصد فرآوانی
میزان تحصیلات		
کارشناسی و کمتر	فرآوانی	درصد فرآوانی
کارشناسی ارشد	فرآوانی	درصد فرآوانی
دکتری	فرآوانی	درصد فرآوانی

داده ها بعد از گرد آوری و کد گذاری با استفاده از نرم افزار اکسل جمع آوری می شود و برای تجزیه و تحلیل آماری از نرم افزار SMART PLS استفاده می شود. در این پژوهش بررسی و آزمون فرضیه ها از مدل معادلات ساختاری^۱ استفاده می شود. برای توصیف داده ها و ترسیم تصویری کلی از ویژگی های جمعیتی و اجتماعی_اقتصادی پاسخگویان و توصیف متغیرهای وابسته و مستقل پژوهش، از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین) استفاده شده است. سپس با استفاده از آمار استنباطی و تحلیلی نظیر ضرایب همبستگی پیرسون، مدل معادلات ساختاری سعی شد تا فرضیه های پژوهش مورد آزمون قرار گیرد. در این پژوهش برای پایایی و روایی ابزار اندازه گیری معیارها، از مقدار ضریب آلفای کرونباخ به منظور پایایی، از مقدار میانگین واریانس استخراج شده برای روایی همگرا و از ماتریس فورنل و لارکر برای روایی واگرا استفاده شده است.

متغیرهای پژوهش

سرمایه فکری: در پژوهش حاضر از سرمایه نامشهود مدیران (توانایی نامشهود مدیران) برای اندازه گیری سرمایه فکری استفاده شده است. پژوهش های پیشین سرمایه فکری را با استفاده از ابعاد مختلف مانند سرمایه انسانی، سرمایه رابطه ای، سرمایه مشتری و ... می سنجند (انوار و خان، ۲۰۱۸). در این پژوهش همانند خان و همکاران (۲۰۱۸) از شش گویه برای سنجش سرمایه فکری در بافت بانکها استفاده شد. از تکمیل کنندگان پرسشنامه تقاضا شد به ۶ پرسش مطرح شده در پرسشنامه مربوط به بخش سرمایه فکری پاسخ دهند و برای پاسخ به این پرسش از مقیاس پنج نقطه ای لیکرت (۱ خیلی مخالف تا ۵ خیلی موافق) استفاده شد.

سواد مالی : اشاره به میزان آگاهی مدیران از شرایط مالی، مدیریت مالی، سیاست های مالی و ... دارد. پژوهش های برای سنجش تجربه ی مالی از پرسش های مرتبط با نرخ بهره و تورم و ... استفاده شد. به منظور اندازه گیری سواد مالی از پرسشنامه یانگ و همکاران (۲۰۱۸) با ۸ گویه استفاده شد که در قالب مقیاس پنج نقطه ای لیکرت (۱ خیلی مخالف تا ۵ خیلی موافق) به آنها پاسخ داده شد.

تجربه تجاری: این تجربه نشان دهنده سابقه و تجربه کاری مدیران ارشد در حوزه فروش، خرید، عملیات و ... است. برای سنجش تجربه مدیران از آنها تقاضا شد تا در حوزه های واردات/صادرات، تصمیم گیری، حل مسأله و ... میزان تجربه خود را بیان کنند که با ۴ گویه و مقیاس پنج نقطه ای لیکرت (۱ خیلی کم تا ۵ خیلی زیاد) استفاده شد.

ماتریس فورنل و لارکر به منظور بررسی روایی واگرا در جدول ۴ نشان داده شده است. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) بیان می کنند: روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبول است که میزان میانگین واریانس استخراج شده برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه های دیگر (یعنی مربع مقدار ضرایب همبستگی بین سازه ها) در مدل باشد. اعداد قطر اصلی ماتریس فورنل و لارکر گفته شده در جدول ۴ نشان می دهد که ابزار اندازه گیری در این پژوهش دارای روایی واگرای قابل قبولی است.

جدول ۴. جدول ماتریس فورنل و لارکر برای بررسی روایی واگرا

عمل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
سرمایه فکری	۰/۸۸۱						
سود مالی	۰/۶۶۶	۰/۶۹۹					
تجربه تجاری	۰/۵۵۳	۰/۵۹۹	۰/۹۳۶				
جذب منابع	۰/۳۸۱	۰/۴۲۵	۰/۳۷۳	۰/۸۰۲			
عملکرد رقابت	۰/۴۷۳	۰/۴۹۰	۰/۴۱۹	۰/۲۵۵	۰/۶۴۱		
پایدار	۰/۰۹۹	۰/۰۴۳	۰/۰۶۳	۰/۰۶۲	۰/۰۱۱	۱	
سود مالی	۰/۰۹۹	۰/۰۴۳	۰/۰۶۳	۰/۰۶۲	۰/۰۱۱	۱	
فکری	۰/۸۸۱	۰/۰۵۱	۰/۰۲۶	۰/۰۲۱۹	۰/۰۵۱	۰/۴۰۰	۱
تجربه	۰/۸۸۱	۰/۰۵۱	۰/۰۲۶	۰/۰۲۱۹	۰/۰۵۱	۰/۴۰۰	۱
تجاری	۰/۸۸۱	۰/۰۵۱	۰/۰۲۶	۰/۰۲۱۹	۰/۰۵۱	۰/۴۰۰	۱
سرمایه فکری	۰/۸۸۱	۰/۰۵۱	۰/۰۲۶	۰/۰۲۱۹	۰/۰۵۱	۰/۴۰۰	۱

بارهای عاملی، ضریب همبستگی بین متغیرهای مکنون و متغیرهای آشکار در یک مدل اندازه گیری است. این ضریب تعیین می کند که متغیر مکنون چقدر از واریانس متغیرهای آشکار را تبیین می کند. نتایج مربوط به بارهای عاملی مدل ساختاری در جدول ۵ خلاصه شده است. بارهای عاملی حداقل ۰/۴ برای هر یک از گویه ها نشان دهنده ساختار مناسب مدل است (هیر و همکاران، ۲۰۱۶). همانطور که جدول ۵ نشان می دهد، بار عاملی برای تمامی گویه ها به جز گویه سوم سرمایه فکری بیشتر از ۰/۴ بوده و آماره t آنها در سطح معناداری کمتر از ۱٪ قرار دارند که نشان دهنده ساختار مناسب مدل است. پس برای پردازش نهایی مدل معادلات ساختاری این گویه حذف می شود.

جدول ۵. نتایج بار عاملی مدل ساختاری

مسیر	ضریب مسیر (بار عاملی)	انحراف از استاندارد	آماره t	سطح معناداری
۱IC < سرمایه فکری	۰/۸۴۴	۰/۰۳۵	۳۳/۹۶۱	۰/۰۰۰
۲IC < سرمایه فکری	۰/۸۱۶	۰/۰۴۵	۷/۱۷۷	۰/۰۰۰
۳IC < سرمایه فکری	۰/۳۲۸	۰/۲۱۸	۱۵۰/۱	۰/۱۳۳
۴IC < سرمایه فکری	۰/۸۱۵	۰/۰۵۸	۱۴/۰۹۶	۰/۰۰۰
۵IC < سرمایه فکری	۰/۸۵۷	۰/۰۴۰	۲۱/۳۳۰	۰/۰۰۰
۶IC < سرمایه فکری	۰/۸۷۸	۰/۰۲۹	۳۰/۳۹۷	۰/۰۰۰

پس از بررسی جنسیت، سن و تحصیلات پاسخ دهندگان به بررسی آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش پرداخته می شود. جدول ۲ نتایج آمار توصیفی متغیرها را نشان می دهد.

جدول ۲. جدول خلاصه آمار توصیفی متغیرها

متغیر	نماد	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	کشیدگی	چولگی
سرمایه فکری	IC	۲۸۱	۱/۹۳۵	۰/۷۳۱	۰/۷۴۰	۰/۴۰۹
سود مالی	FL	۲۸۱	۱/۸۴۴	۰/۵۱۰	۰/۲۶۴	۰/۱۹۳
تجربه تجاری	BE	۲۸۱	۲/۰۸۲	۰/۶۸۵	۰/۲۶۳	۰/۰۲۸
جذب منابع	RA	۲۸۱	۲/۰۱۵	۰/۶۴۳	۰/۱۳۰	۰/۰۵۷
عملکرد رقابت	SCP	۲۸۱	۳/۴۱۹	۰/۴۹۲	۰/۶۶۳	۰/۵۸۱
پایدار						

با توجه به نتایج حاصل بالاترین میانگین مربوط به متغیر عملکرد رقابتی پایدار (۳/۴۱۹) و پایین ترین میانگین مربوط به متغیر تعهد اخلاقی (۱/۸۴۴) است. به طور کلی یک توزیع نرمال دارای کشیدگی و چولگی صفر است. در این پژوهش مقدار کشیدگی و چولگی متغیرها نزدیک به صفر است و این شاخص ها بیانگر این موضوع است که متغیر دارای توزیع متقارن بوده توزیع آنها شبیه نرمال است.

پایایی و روایی ابزار اندازه گیری

با توجه به جدول ۳ و مقدار ضریب آلفای کرونباخ و پایایی مرکب نشان داده شده برای هر معیار که بیشتر از عدد ۰/۷۰ است می توان دریافت که ابزار اندازه گیری معیارها از پایایی مناسبی برخوردار است. در این پژوهش به منظور بررسی روایی همگرا از میانگین واریانس استخراج شده (AVE) استفاده شده است. این مقدار برای همه معیارهای پژوهش بالاتر از عدد حداقل ۰/۴ است که نشان دهنده برخورداری روایی همگرا برای ابزار اندازه گیری است.

جدول ۳. نتایج روایی همگرا و پایایی ابزار اندازه گیری

متغیرها	تعداد گویه	ضریب ضریب آلفای کرونباخ	پایایی مرکب	میانگین واریانس استخراج شده
سرمایه فکری	۶	۰/۸۶۰	۰/۸۹۸	۰/۶۰۹
سود مالی	۸	۰/۸۳۹	۰/۸۷۰	۰/۴۶۱
تجربه تجاری	۴	۰/۹۵۳	۰/۹۶۶	۰/۸۷۶
جذب منابع	۶	۰/۸۸۵	۰/۹۱۴	۰/۶۴۴
عملکرد رقابت	۸	۰/۷۸۷	۰/۸۴۱	۰/۶۱۱
پایدار				

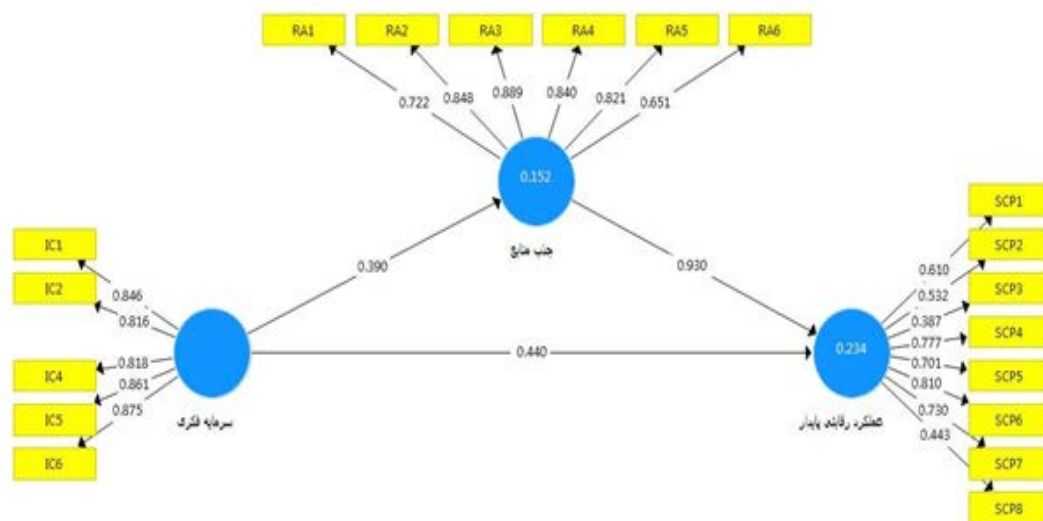
(منبع: یافته های پژوهش)

مسیر	ضریب مسیر (بار عاملی)	انحراف از استاندارد	آماره t	سطح معناداری
۱BE <-> تجربه تجاری	-۰/۹۰۰	-۰/۰۳۲	۲۸/۴۹۴	-۰/۰۰۰
۲BE <-> تجربه تجاری	-۰/۹۵۱	-۰/۰۱۶	۵۷/۵۱۶	-۰/۰۰۰
۳BE <-> تجربه تجاری	-۰/۹۴۲	-۰/۰۱۹	۴۹/۶۴۸	-۰/۰۰۰
۴BE <-> تجربه تجاری	-۰/۹۴۹	-۰/۰۱۲	۷۶/۴۳۶	-۰/۰۰۰
۱FL <-> سود مالی	-۰/۵۳۶	-۰/۱۱۷	۴/۵۸۸	-۰/۰۰۰
۲FL <-> سود مالی	-۰/۶۲۸	-۰/۱۱۴	۵/۴۸۶	-۰/۰۰۰
۳FL <-> سود مالی	-۰/۵۷۱	-۰/۱۰۳	۵/۵۵۸	-۰/۰۰۰
۴FL <-> سود مالی	-۰/۷۶۱	-۰/۰۶۸	۱۱/۱۹۳	-۰/۰۰۰
۵FL <-> سود مالی	-۰/۶۱۷	-۰/۰۹۴	۶/۵۶۹	-۰/۰۰۰
۶FL <-> سود مالی	-۰/۶۹۴	-۰/۰۸۱	۸/۵۵۹	-۰/۰۰۰
۷FL <-> سود مالی	-۰/۸۱۵	-۰/۰۴۱	۱۹/۹۵۸	-۰/۰۰۰
۸FL <-> سود مالی	-۰/۷۵۹	-۰/۰۸۳	۹/۱۷۷	-۰/۰۰۰
۱RA <-> جذب منابع	-۰/۷۴۰	-۰/۰۷۴	۱۰/۰۰۷	-۰/۰۰۰
۲RA <-> جذب منابع	-۰/۸۵۷	-۰/۰۴۳	۲۰/۰۶۲	-۰/۰۰۰
۳RA <-> جذب منابع	-۰/۸۹۷	-۰/۰۲۳	۳۸/۱۸۶	-۰/۰۰۰
۴RA <-> جذب منابع	-۰/۸۴۷	-۰/۰۴۳	۱۹/۸۶۹	-۰/۰۰۰

(منبع: یافته‌های پژوهش)

آزمون فرضیه‌های اول الی چهارم

مدل معادلات ساختاری مربوط به آزمون فرضیه‌های اول تا چهارم در شکل ۱ ارائه شده است. این جدول نشان دهنده ضرایب مسیر اصلی مدل و ضریب تعیین است.



شکل ۱. مدل معادلات اختاری فرضیه‌های اول الی چهارم بر اساس ضریب مسیر

بنابراین نتایج فرضیه اول پژوهش نشان از تایید آن در سطح اطمینان ۹۵٪ است.

ضریب مسیر (۰/۳۹۰۴)، آماره t (۴/۵۷۹) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) برای متغیر سرمایه فکری بیانگر این است که سرمایه فکری تاثیر مثبتی بر جذب منابع دارد. بنابراین فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ تایید می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه‌ها در جدول ۶ نشان داده است. شکل ۱ شمای کلی مدل را بر اساس ضرایب استاندارد نشان می‌دهد. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش با توجه به ضریب مسیر (۰/۴۴۰۲)، آماره t (۶/۳۸۳) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) برای متغیر سرمایه فکری نشان می‌دهد که سرمایه فکری تاثیر مثبت و معناداری بر عملکرد رقابتی پایدار دارد.

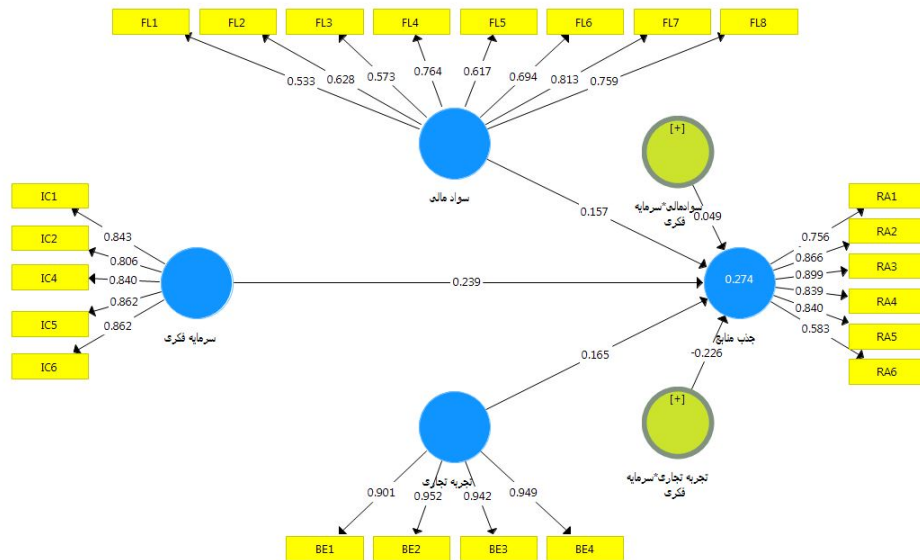
جدول ۶. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

مسیر	ضریب مسیر	انحراف از استاندارد	آماره t	سطح معناداری
سرمایه فکری -> عملکرد رقابتی پایدار	۰/۴۴۰۲	۰/۰۸۱۸	۶/۳۸۳۴	۰/۰۰۰۰
سرمایه فکری -> جذب منابع	۰/۳۹۰۴	۰/۰۸۵۳	۴/۵۷۹۶	۰/۰۰۰۰
جذب منابع -> عملکرد رقابتی پایدار	۰/۹۳۰۱	۰/۳۵۲۶	۲/۶۳۸۰	۰/۰۰۲۶
سرمایه فکری -> جذب منابع -> عملکرد رقابتی پایدار	۰/۲۳۶۲	۰/۰۹۱۴	۲/۵۸۳۹	۰/۰۰۴۴

(منبع: یافته‌های پژوهش)

آزمون فرضیه‌های پنجم الی هشتم

مدل معادلات ساختاری مربوط به آزمون فرضیه‌های پنجم الی هشتم در شکل ۲ ارائه شده است. این شکل نشان دهنده ضرایب مسیر اصلی مدل و ضریب تعیین است.



شکل ۲. مدل معادلات اختاری فرضیه‌های پنجم الی هشتم بر اساس ضریب مسیر

ضریب مسیر (۰/۰۴۸۸)، آماره t (۲/۲۶۲۷) و سطح معناداری (۰/۰۲۱۷) برای متغیر تعدیلگر سواد مالی*سرمایه فکری که کمتر از ۵ درصد است، بیانگر این است که سواد مالی رابطه بین سرمایه فکری و جذب منابع را بطور مثبت تعدیل می کند. بنابراین فرضیه ششم پژوهش در سطح معناداری ۵٪ تایید می شود. فرضیه هفتم بیان می کند که تجربه تجاری بر جذب منابع تاثیر معناداری دارد. نتایج با توجه به ضریب مسیر (۰/۱۶۴۷)،

فرضیه سوم بیان می کند که جذب منابع بر عملکرد رقابتی پایدار تاثیر دارد. نتایج با توجه به ضریب مسیر (۰/۹۳۰۱)، آماره t (۲/۶۳۸۰) و سطح معناداری (۰/۰۰۲۶) مربوط به متغیر جذب منابع که کمتر از ۵ درصد است، نشان می دهد که جذب منابع بر عملکرد رقابتی پایدار تاثیر معناداری دارد. بنابراین نتایج نشان دهنده تائید فرضیه سوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ است.

ضریب مسیر غیر مستقیم (۰/۲۳۶۲)، آماره t (۲/۵۸۳۹) و سطح معناداری (۰/۰۰۴۴) که برای متغیر میانجی کمتر از ۵٪ است و همچنین مقدار محاسبه شده برای شاخص VAF (۰/۴۵۲) نشان می دهد که جذب منابع اثر میانجی معناداری بر رابطه بین سرمایه فکری و عملکرد رقابتی پایدار دارد. در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه چهارم پژوهش تائید می شود.

نتایج آزمون فرضیه‌های پنجم الی هشتم در جدول ۷ نشان داده است. شکل ۲ شمای کلی مدل را بر اساس ضرایب استاندارد نشان می دهد. نتایج آزمون فرضیه پنجم پژوهش با توجه به ضریب مسیر (۰/۱۵۷۲)، آماره t (۱/۲۱۹۹) و سطح معناداری (۰/۲۲۲۸) برای متغیر سواد مالی نشان می دهد که سواد مالی تاثیر معناداری بر جذب منابع ندارد. بنابراین نتایج فرضیه پنجم پژوهش نشان از رد آن در سطح خطای ۵٪ است.

تاثیر مثبتی بر جذب منابع دارد. به عبارتی سرمایه فکری منبعی است که توسط یک سازمان خلق، خریداری و حفظ می‌شود، شکل ملموس ندارد اما به خلق ارزش توسط دارایی مادی و مالی کمک می‌رساند. یافته‌های فرضیه دوم پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های اینگ و همکاران (۲۰۱۹)، اوزکان و همکاران (۲۰۱۶) و یوسفی و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی دارد. نتایج فرضیه سوم نشان می‌دهد که جذب منابع بر عملکرد رقابتی پایدار تاثیر معناداری دارد و نتایج فرضیه چهارم نشان می‌دهد که جذب منابع اثر میانجی معناداری بر رابطه بین سرمایه فکری و عملکرد رقابتی پایدار دارد. نتایج این پژوهش در این دو فرضیه نشان می‌دهد که جذب منابع مالی نه تنها می‌تواند بر عملکرد رقابتی پایدار تاثیرگذار باشد بلکه اثر میانجی آن بر رابطه بین سرمایه فکری و عملکرد رقابتی پایدار نشان می‌دهد که سرمایه فکری از طریق جذب منابع بر مزیت رقابتی پایدار اثر گذار است، پس نتایج فرضیه‌های سوم و چهارم پژوهش با یافته‌های اینگ و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی داشته و بر خلاف یافته‌های اینگ و همکاران (۲۰۱۹) است. نتایج آزمون فرضیه پنجم پژوهش نشان می‌دهد که سواد مالی تاثیر معناداری بر جذب منابع ندارد. بعبارت دیگر سواد مالی توانایی فرد برای استفاده از دانش و مهارت برای استفاده مؤثر از منابع مالی شرکت و تقویت عملکرد مالی شرکت است و بر جذب منابع تاثیر ندارد، در نتیجه عوامل دیگری در جذب منابع تاثیرگذار هستند. نتایج آزمون فرضیه ششم بیانگر این است که سواد مالی رابطه بین سرمایه فکری و جذب منابع را بطور مثبت تعدیل می‌کند. بنابراین سواد مالی به مدیران امکان استفاده از دانش مازاد (مالی) برای دستیابی به منابع، مواد و ابزار مفید و لازم برای ارتقای فرآیند تولید و فعالیت‌های عملیاتی و در نهایت سودآوری می‌دهد، دانش مالی توانایی حسابداران مالی را ارتقاء می‌دهد و همچنین به مدیران توانایی تصمیم‌گیری راهبردی درست و دخالت به موقع در رویارویی با شرایط نامطمئن می‌دهد سواد مالی به مدیران امکان استفاده از مهارت‌ها و شیوه‌های حاکمیتی برای بهره‌برداری مؤثر از منابع

آماره $t(1/168)$ و سطح معناداری $(0/2430)$ مربوط به متغیر تجربه تجاری که بیشتر از ۵ درصد است، نشان می‌دهد که تجربه تجاری بر جذب منابع تاثیر مستقیم معناداری ندارد. بنابراین نتایج نشان دهنده رد فرضیه هفتم پژوهش در سطح خطای ۵٪ است.

در نهایت ضریب $(0/2265)$ ، آماره $t(2/3408)$ و سطح معناداری $(0/0194)$ که برای متغیر تعدیلگر تجربه تجاری*سرمایه فکری کمتر از ۵٪ است نشان می‌دهد که تجربه تجاری رابطه بین سرمایه فکری و جذب منابع را بطور مثبت تعدیل می‌کند. در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه هشتم پژوهش تایید می‌شود.

جدول ۷. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

مسیر	ضریب مسیر	انحراف از استاندارد	آماره t	سطح معناداری
سواد مالی -> جذب منابع	۰/۱۵۷۲	۰/۱۲۸۸	۱/۲۱۹۹	۰/۲۲۲۸
سواد مالی * سرمایه فکری -> جذب منابع	۰/۰۴۸۸	۰/۰۲۱۶	۲/۲۶۳۷	۰/۰۲۱۷
تجربه تجاری -> جذب منابع	۰/۱۶۴۷	۰/۱۴۱۰	۱/۱۶۸۳	۰/۲۴۳۰
تجربه تجاری * سرمایه فکری -> جذب منابع	۰/۲۲۶۵	۰/۰۹۶۷	۲/۳۴۰۸	۰/۰۱۹۴

(منبع: یافته‌های پژوهش)

بحث و نتیجه گیری

نتایج فرضیه اول نشان می‌دهد که سرمایه فکری تاثیر مثبت و معناداری بر عملکرد رقابتی پایدار دارد که نشان می‌دهد سرمایه فکری شرکت عامل حیاتی برای مزیت رقابتی پایدار و عملکرد بانک‌ها در بازارهای درحال ظهور است. پس می‌توان گفت سرمایه فکری موثر و کارآمد به واسطه ایجاد یک فضای یکپارچه برای مدیران، مالکان، مشتریان، تامین کنندگان و سرمایه‌گذاران از طریق اعتماد متقابل، نوآوری و شبکه‌بندی وسیع‌تر عملکرد کلی بانک را تقویت می‌کند. یافته‌های فرضیه اول پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های بای و چانگ (۲۰۱۵)، ریورا و همکاران (۲۰۱۷)۱، نوروزی و همکاران (۱۳۹۶)، کمبجانی و همکاران (۱۳۹۶) و یوسفی و همکاران (۱۳۹۴) همراستا است نتایج فرضیه دوم نشان می‌دهد که سرمایه فکری

عملکرد بانکها در بازارهای درحال ظهور است. این در حالی است که سرمایه فکری به طور غیر مستقیم توانایی سودآوری بانکها را افزایش می دهد، به طوری که ابتدا مزیت رقابتی پایدار ایجاد کرده و سپس منجر به بهبود عملکرد بانکها می شود. فعالیت های نوآورانه ناشی از سرمایه فکری بانکها انتظارات ذینفعان متعدد را برآورده می کند و یک تصویر مثبت و جذاب از سازمان به بازار القا می کند که این خود مزیت رقابتی پایدار و عملکرد سازمان را ارتقا می دهد. در همین راستا پیشنهادهایی برای تقویت و بهبود سرمایه فکری در بانکها به شرح زیر ارائه می شود: استقرار مدیریت دانش در شرکت، تبیین مدل های مشارکت کارکنان به عنوان سرمایه فکری، تبیین مدل ارزیابی مناسب دانش و مهارت ها در بین کارکنان بانک ها، تعیین ماتریس سوات جهت شناسایی نقاط ضعف و قوت دانش استراتژی بانک ها با رقبا، شناخت صریح دانش به عنوان عامل کلیدی برنامه ریزی استراتژیک، تعیین استراتژی روشن برای توسعه دانش در بانک ها، تعیین داشبورد عملکردی (رشد درآمد، رشد اشتغال، سهم بازار، سود ناخالص، حاشیه سود خالص)، برنامه ریزی برای نوآوری در خدمات بانکداری، سرعت در توسعه خدمات بانکداری جدید، هدف قرار دادن رشد پایدار با توجه به نسل آینده، برنامه استقرار سیستم مسئولیت اجتماعی برای جامعه، تشویق کارمندان به توسعه مهارت ها و حرفه های خود، اجرای سیاست های انعطاف پذیر برای متعادل سازی کار و زندگی شخصی، برآورده سازی نیازها و خواسته های کارمندان و استقرار سیستم بهبودهای رایزنی و پیشنهادها.

مالی می دهد. درمقابل، مدیران بدون سواد مالی در استفاده از منابع مالی با دشواری روبه رو هستند. نتایج آزمون فرضیه هفتم نشان می دهد که تجربه تجاری بر جذب منابع تاثیر مستقیم معناداری ندارد. علت عدم پذیرش این فرضیه می تواند این نکته باشد که در جامعه آماری نمونه گیری شده تجربه مدیران ناکافی بوده که نمی تواند در جذب منابع تاثیر داشته باشد و در نهایت نتایج آزمون فرضیه هشتم نشان می دهد که تجربه تجاری رابطه بین سرمایه فکری و جذب منابع را بطور مثبت تعدیل می کند. مدیران باتجربه می توانند از منابع بیرونی به عنوان فرصت های جدید، بازارهای جدید و روش های جدید ارتقای عملکرد بهره بگیرند تجربه به مدیران امکان مقابله با فشارهای محیطی و استفاده از منابع به روشی مؤثر و مثبت می دهد تا به اینصورت فرصت های سرمایه گذاری بهتری برای شرکت رقم بزنند. مدیران عامل باتجربه و کارشناس در امور مالی نه تنها از سیاستها آگاهی کافی دارند بلکه به منابع مالی و غیرمالی شرکتها نیز اهمیت یکسان می دهند. آنها از منابع (چه مالی چه غیرمالی) برای بهبود عملکرد شرکت استفاده می کنند، به طور خلاصه، مدیران / مالکان دارای تجربه مالی قادرند دسترسی آسانی به منابع نادر و مفید داشته باشند و سود بالایی برای شرکت رقم بزنند. نتایج این پژوهش با یافته های فونسکا و همکاران (۲۰۱۳)، لی و ژو (۲۰۱۰) همخوانی دارد.

با توجه به نتایج فرضیه های پژوهش می توان بیان داشت که سرمایه فکری یکی از عوامل حیاتی برای مزیت رقابتی پایدار و

منابع

توسعه تعاون شهر کرمان. هفتمین کنفرانس ملی

کاربردهای حسابداری و مدیریت، تهران.

لبافی، معصومه و دارابی، رویا. (۱۳۹۷). تاثیر اجزای سرمایه فکری و

ضریب ارزش افزوده فکری در عملکرد مالی بانک ها. فصلنامه

پژوهش های پولی-بانکی، ۱۱(۳۸)، ۵۹۹-۶۲۴

مهدی خو، مهدی؛ محمود ترابی، مریم؛ ختن لو، محسن.

(۱۳۹۴). بررسی تاثیر اجزای سرمایه فکری بر ابعاد

عملکرد مالی. دوفصلنامه علمی حسابداری دولتی، ۱(۲)،

۸۳-۹۲.

نمازی، محمد و کرمانی، احسان. (۱۳۸۷) تاثیر ساختار مالکیت

بر عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار

تهران. بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۱۵(۵۳)،

۸۳-۱۰۰.

نمامیان، فرشید؛ قلی زاده، حسن و باقری، فاطمه. (۱۳۹۰)

سرمایه فکری و روش های اندازه گیری آن. دومین

کنفرانس مدیریت اجرایی، تهران، ۲۰-۲۸.

نوروزی چشمه علی، الهام؛ روشن، علیقلی و وفادار، میلاد.

(۱۳۹۶). تحلیل اثر سرمایه فکری بر عملکرد سازمانی با

نقش میانجی مدیریت دانش در شرکت پایانه های نفتی

ایران. فصلنامه آموزش و توسعه منابع انسانی، ۴(۱۳)، ۹۵-

۱۱۹.

نیری ملکی، امیر؛ قوچانی، فرخ و طبرسا، غلامعلی. (۱۳۹۸).

بررسی تاثیر سرمایه فکری بر عملکرد توسعه خدمات جدید

در شعب و ادارات مرکزی بانک مسکن شهر تهران. سومین

کنفرانس ملی پژوهشهای نوین حسابداری و مدیریت در

هزاره سوم، کرج.

احمدیان، مجید و قربانی، رحیم. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین

سرمایه فکری بر عملکرد سازمانی: مورد مطالعه وزارت امور

اقتصاد و دارایی. مجله اقتصادی. دو ماهنامه بررسی مسائل

و سیاست های اقتصادی، ۱۱ و ۱۲، ۱۱۱-۱۳۰.

بولو، قاسم و اعرابی، مهرا. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل موثر بر

ریسک جامع بانک های دولتی. دوفصلنامه علمی حسابداری

دولتی، ۵(۲)، ۲۵-۴۶.

سبط، محمد وحید و کمبجانی، الهه. (۱۳۹۶). بررسی تاثیرپذیری

سرمایه فکری بر عملکرد سازمان های تخصص محور

با رویکرد مزیت رقابتی. سومین کنفرانس بین المللی

مدیریت و مهندسی صنایع، تهران،

<https://civilica.com/doc/756618>

صادقی عسکری، سمانه؛ سلیمانی امیری، غلامرضا؛

امینی، محمدرضا. (۱۳۹۸). (ارزیابی عملکرد شعب

در بانک های دولتی: طراحی شاخص ترکیبی مبتنی

بر تحلیل پوششی داده های چندلایه (مطالعه موردی - بانک

مسکن). دوفصلنامه علمی حسابداری دولتی، ۵(۲)،

۸۵-۱۰۰.

علامه، سیدحسن و شیخ ابومسعودی، علی. (۱۳۹۴). بررسی

تاثیر سرمایه فکری، با نقش میانجی مدیریت دانش و

سرمایه فرهنگی بر عملکرد سازمان از منظر مدل BSC

(مورد مطالعه: شرکت گاز استان اصفهان). حسابداری

مدیریت، ۸ (۲۴) ۷۳-۸۷.

گیسویی، منا و شکوه، زهرا. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین سرمایه

فکری و قابلیت های سازمانی با عملکرد مالی شعب بانک

References

Ahmadian, M. and Ghorbani, R. (2013).

Investigating the Relationship between

Intellectual Capital and Organizational

Performance: A Case Study of the Ministry

of Economy and Finance. *Monthly*

Quarterly Journal of Economic Research

and Policies, 13(11-12), 111-130. (In

Persian)

Akhtar, P; Khan, Z; Frynas, J.G; Tse, Y.K;

Rao-Nicholson, R.(2018). Essential micro-

foundations for contemporary business

operations: Top management tangible

competencies, relationship-based business

networks and environmental sustainability.

Br. J. Manag, 29(1), 43-62.

Allameh, S; SheikhAomasudi, A. (2015). The

effect of intellectual capital, with the

mediating role of knowledge management

and cultural capital on organizational

performance from the perspective of the

BSC (Case Study: Isfahan Gas Company).

Management Accounting, 8(24), 73-87. (In

Persian)

Anwar, M; Ali Shah, S.Z. (2018). Managerial

Networking and Business Model

- Innovation: Empirical Study of New Ventures in an Emerging Economy. *J. Small Bus. Entrep*, 32(3), 265-286.
- Anwar, M; Khan, S.Z; Khan, N.U. (2018) Intellectual Capital, Entrepreneurial Strategy and New Ventures Performance: Mediating Role of Competitive Advantage. *Bus. Econ. Rev*, 10(1), 63-93.
- Badolato, P.G; Donelson, D.C; Ege, M. (2014). Audit committee financial expertise and earnings management: The role of status. *J. Account. Econ*, 58(2-3), 208-230.
- Bai, X; & Chang, J. (2015). Corporate social responsibility and firm performance: The mediating role of marketing competence and the moderating role of market environment. *Asia Pacific Journal of Management*, 32(2), 505-530.
- Bulu, G; Aarabi, M. (2019). Identifying Effective Factors on Comprehensive Risk of Government-Owned Banks. *Journal of Governmental Accounting*, 5(2), 25-46. (In Persian)
- Cabrilo, S; Dahms, S. (2018). How strategic knowledge management drives intellectual capital to superior innovation and market performance. *J. Knowl. Manag*, 22(3), 621-648.
- Campbell, J.M; Park, J. (2016). Internal and external resources of competitive advantage for small business success: Validation across family ownership. *Int. J. Entrep. Small Bus*, 27(4), 505-524.
- Chen, F.-W; Lin, M.-X; Wang, T. (2018). Sustainable Resource Acquisition Path: A Dynamic Model of Embedded Entrepreneurial Network Governance under Uncertainty. *Sustainability*, 10(11), 4061.
- Custódio, C; Metzger, D. (2014). Financial expert CEOs: CEO's work experience and firm's financial policies. *J. Financ. Econ*, 114(1), 125-154.
- Degong, M; Ullah, F; Khattak, M; Anwar, M. (2018). Do International Capabilities and Resources Configure Firm's Sustainable Competitive Performance? Research within Pakistani SMEs. *Sustainability*, 10(11), 4298.
- Dittmar, A; Duchin, R. (2015). Looking in the rearview mirror: The effect of managers' professional experience on corporate financial policy. *Rev. Financ. Stud*, 29(3), 565-602.
- Foley, J. (2018). We really need to talk about owner-managers and financial awareness! *Small Enterp. Res*, 25(1), 90-98.
- Gisooei, M; Shokooh, Z. (2018). Investigating the relationship between intellectual capital and organizational capabilities with the financial performance of Kerman Cooperative Development Bank branches. Seventh National Conference on Accounting and Management Applications 2018, Tehran. (In Persian)
- Haji, A.A; Mohd Ghazali, N.A. (2018). The role of intangible assets and liabilities in firm performance: Empirical evidence. *J. Appl. Account. Res*, 19(1), 42-59.
- Han, Y; Li, D. (2015). Effects of intellectual capital on innovative performance: The role of knowledge-based dynamic capability. *Manag. Decis*, 53, 40-56.
- Hernández-Carrión, C; Camarero-Izquierdo, C; Gutiérrez-Cillán, J. (2017). Entrepreneurs' Social Capital and the Economic Performance of Small Businesses: The Moderating Role of Competitive Intensity and Entrepreneurs' Experience. *Strateg. Entrep. J*, 11(1), 61-89.
- Hussain, J; Salia, S; Karim, A. (2018). Is knowledge that powerful? Financial literacy and access to finance: An analysis of enterprises in the UK. *J. Small Bus. Enterp. Dev*, 25(6), 985-1003.

- Hussinki, H; Kianto, A; Vanhala, M; Ritala, P. (2019). Happy Employees Make Happy Customers: The Role of Intellectual Capital in Supporting Sustainable Value Creation in Organizations. In *Intellectual Capital Management as a Driver of Sustainability*; Springer: Berlin/Heidelberg, Germany, 2019; pp. 101–117.
- Jiang, X; Liu, H; Fey, C; Jiang, F. (2018). Entrepreneurial orientation, network resource acquisition, and firm performance: A network approach. *J. Bus. Res.*, 87, 46–57.
- Khan, S.Z; Yang, Q; Waheed, A. (2018). Investment in intangible resources and capabilities spurs sustainable competitive advantage and firm performance. *Corp. Soc. Responsib. Environ. Manag.* 26(2), 285-295.
- Ko, E.-J; McKelvie, A. (2018). Signaling for more money: The roles of founders' human capital and investor prominence in resource acquisition across different stages of firm development. *J. Bus. Ventur.*, 33(4), 438–454.
- Labbafi, M. and Darabi, R. (2019). The Impact of Components of Intellectual Capital and Value-added Intellectual Coefficient on Banks' Financial Performance. *Journal of Monetary and Research*, 11(38): 624-599. (In Persian)
- Mahdavikhou, M; Mahmoodtorabi, M; Khotanlou, M. (2015). The Impact of the Components of Intellectual Capital on the Dimensions of Financial Performance. *Journal of Governmental Accounting*, 1(2), 83-92. (In Persian)
- Mestry, R. (2018). The role of governing bodies in the management of financial resources in South African no-fee public schools. *Educ. Manag. Adm. Leadersh.*, 46(3), 385–400.
- Mohamed, E.B; Jarbou, S; Baccar, A; Bouri, A. (2015). On the effect of CEOs' personal characteristics in transport firm value? A stochastic frontier models. *Case Stud. Transp. Policy*, 3(2), 176–181.
- Monteiro, A. P; Soares, A. M; & Rua, O. L. (2017). Linking intangible resources and export performance: The role of entrepreneurial orientation and dynamic capabilities. *Baltic Journal of Management*, 12(3), 329–347.
- Murray, A.M; Hallen, B.L; Kotha, S.B. (2018). Withholding signals of experience and expertise in resource acquisition efforts via crowdfunding. In *Academy of Management Proceedings; Academy of Management: Briarcliff Manor, NY, USA*; p. 18518.
- Namayan, F; Gholizadeh, H. and Bagheri F. (2011). Intellectual capital and its measurement methods. Second Executive Management Conference 2011. Tehran, 20-28. (In Persian)
- Namazi, M. and Kermani, E. (2009). Investigating the Effects of Ownership Structure on The Performance of the Companies Accepted in the Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Review*, 15(4), 83-100. (In Persian)
- Nayeri, A; Ghochani, F; Tabarsa, G. (2019). Investigating the effect of intellectual capital on the performance of new services development in branches and central offices of Tehran Housing Bank. Third National Conference on Accounting and Management Research in the Third Millennium 2019. Karaj. (In Persian)
- Nowrouzi Cheshmeh Ali, E; Rowshan, S. A; Vafadar, M. (2017). Analysis of the Impact of Intellectual Capital on Organizational Performance with the Mediating Role of Knowledge Management in Iranian Oil Terminals

- Company. *Iranian Society for Training and Development*, 4(13), 95-119. (In Persian)
- Oppong, G. K; and Pattanayak, J. K. (2019). Does investing in intellectual capital improve productivity? Panel evidence from commercial banks in India. *Borsa Istanbul Review*, 19(3), 219-227.
- Otcenášková, T; Bureš, V. (2018). Self-assessment of intellectual capital in an organisation: Inclusion of internal view, dynamics, and topicality. *J. Intellect. Cap*, 19(2), 387-406.
- Ozkan, N; Cakan, S; Kayacan, M. (2017). Intellectual capital and financial performance: A study of the Turkish Banking Sector. *Borsa Istanbul Rev*, 17(3), 190-198.
- Pinto, V.L; Tomé, E. (2017). What is the relationship between tax literacy and intellectual capital of the certified accountant in Portuguese SMEs tax performance? In Proceedings of the International Conference on Theory and Applications in the Knowledge Economy, Zagreb, Croatia, 12-14 July 2017; pp. 323-327.
- Reimer, M; Van Doorn, S; Heyden, M.L. (2018). Unpacking functional experience complementarities in senior leaders' influences on CSR strategy: A CEO-Top management team approach. *J. Bus. Ethics*, 151, 977-995
- Rivera, J. M; Muñoz, M. J; & Moneva, J. M. (2017). Revisiting the relationship between corporate stakeholder commitment and social and financial performance. *Sustainable Development*, 25(6), 482-494.
- Sadeghi Askari, S; Soleimany Amiri, G; Amini, M. (2019). Performance evaluation of State Banks: Designing a composite index using multilayer DEA (Case Study: Maskan Bank). *Journal of Governmental Accounting*, 5(2), 85-100. (In Persian)
- Sabt, M. V; Komijani, E. (2017). Investigating the Impact of Intellectual Capital on the Performance of Expertise-Based Organizations with a Competitive Advantage Approach. 3rd International Conference on Industrial Engineering and Management 2017, Tehran. (In Persian)
- Schaltenbrand, B; Foerstl, K; Azadegan, A; Lindeman, K. (2018). See what we want to see? The effects of managerial experience on corporate green investments. *J. Bus. Ethics*, 150, 1129-1150.
- Setyawati, I; Widyastuti, T; Suryati, A and Hartani, N. (2019). Intellectual capital performance of Islamic banks in Indonesia: Towards competitive advantages. *Management Science Letters*, 9(12), 1999-2008.
- Skirnevskiy, V; Bendig, D; Brettel, M. (2017). The influence of internal social capital on serial creators' success in crowdfunding. *Entrep. Theory Pract*, 41(2), 209-236.
- Song, Z.-F. (2018). The Relationship among Top Managerial Social Capital, Resource Acquisition and the Growth Performance of Small and Medium-sized Travel Agencies. In Proceedings of the 2018 International Conference on Internet and e-Business, Singapore, 25-27 April 2018; pp. 218-222.
- Wise, S. (2013). The impact of financial literacy on new venture survival. *Int. J. Bus. Manag*, 8(23), 30-39.
- Xu, J; Wang, B. (2018). Intellectual Capital, Financial Performance and Companies' Sustainable Growth: Evidence from the Korean Manufacturing Industry. *Sustainability*, 10(12), 4651.
- Yang, S; Ishtiaq, M; Anwar, M. (2018). Enterprise Risk Management Practices and

- Firm Performance, the Mediating Role of Competitive Advantage and the Moderating Role of Financial Literacy. *J. Risk Financ. Manag.*, 11(3), 35.
- Ying, Q; Hassan, H; & Ahmad, H. (2019). The Role of a Manager's Intangible Capabilities in Resource Acquisition and Sustainable Competitive Performance. *Sustainability*, 11(2), 527; doi:10.3390/su11020527.
- Zhao, S; Morgan, S. (2017). Business to Government Networks in Resource Acquisition: The Case of Chinese Private Enterprises. *In Business Networks in East Asian Capitalisms*; Elsevier: Amsterdam, the Netherlands; pp. 69-91.